

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی نرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۹۳ - شنبه ۹۲/۲/۲۱

به نظر، اشکال اول سید خویی رحمته الله بر کلام محقق نائینی رحمته الله وارد است. با این حال شبهه‌ای وجود دارد که ممکن است برخی بدان گرفتار شوند، لذا مناسب است پاسخ داده شود.

شبهه و دفع آن

شبهه: گرچه در مرحله‌ی اضطرار، جامع مورد اضطرار قرار می‌گیرد؛ مثلاً کسی که تا سر حد هلاکت تشنه است و باید یکی از دو آب مشتبه را بنوشد مضطرب به جامع یا همان طبیعت آب است؛ چه در إناء «الف» و چه در إناء «ب» باشد، اما در طول این اضطرار، اضطرار دیگری پدید می‌آید که به فرد سرایت می‌کند که عبارت از آن است که هیچ‌کس قدرت اتیان جامع بما هو جامع در خارج را ندارد؛ چون ضرورتاً جامع در ضمن فرد محقق می‌شود، بنابراین مکلف مضطر است فرد را اتیان کند. پس باید گفت فرد با مشخصات آن مورد اضطرار مکلف است و لامحاله چنین حالتی با فعلیت تکلیف قابل جمع نیست؛ زیرا اضطرار رافع تکلیف می‌باشد. بنابراین باید مانند محقق نائینی رحمته الله به توسط در تکلیف قائل شویم.

دفع شبهه: هرچند در طول اضطرار به جامع، اضطرار به مشخصات فردیه و بلکه اضطرار به وجود خارجی وجود دارد؛ زیرا وجود خارجی و فرد بما هو فرد رافع عطش است نه جامع، اما وجدان می‌کنیم که خصوص این فرد مورد اضطرار نیست؛ زیرا اگر این فرد را تغییر دهیم و وجود دیگری جایگزین آن کنیم مشکل حل می‌شود و این آیت آن است که فرد بما هو فرد خاص و متعین، مورد اضطرار نیست و لامحاله با تکلیف از اجتناب از نجس واقعی تنافی ندارد.

بنابراین اشکال سید خویی رحمته الله بر کلام اخیر محقق نائینی رحمته الله وارد است و تلاشی که برای دفع اشکال

شده است ناتمام است.

اشکال دوم سید خویی بر کلام محقق نائینی رحمته الله

چنانچه بپذیریم که مکلف از باب اتفاق، حرام واقعی را انتخاب کند به واسطه‌ی آنکه مصداق مضطراًلیه است حرمت آن زایل می‌شود و به تعبیر دیگر توسط در تکلیف را بپذیریم، گرفتار محذوری می‌شویم که ناچار می‌شویم از اصل مبنا یعنی منجزیت علم اجمالی رفع ید کنیم^۱.

توضیح بیشتر آنکه: اساساً تکلیف برای آن جعل می‌شود که اراده‌ی مکلف را سامان دهد و اراده‌ی او طبق تکلیف منقذ شود و معقول نیست که شارع تکلیفی را جعل کند و غایت آن را اختیار مکلف قرار دهد؛ به عنوان مثال معقول نیست مولا بگوید فلان عمل حرام است مگر آنکه مکلف انجام آن را انتخاب کند، یا بگوید فلان عمل واجب است مگر آنکه مکلف ترک آن را اختیار کند؛ زیرا چنین تکالیفی لغو خواهد بود.

اساساً این گونه جعل، هیچ کلفتی نمی‌آورد و حال آنکه «تکلیف» یعنی آنچه که خود را بر اراده‌ی مکلف تحمیل می‌کند. بنابراین در ما نحن فیه که مکلف حرام واقعی را اختیار می‌کند و با این انتخاب، حرمت زایل می‌شود، در واقع به این معنا خواهد بود که حرمت مغیاً به انتخاب مکلف است و چنین تکالیفی لغو می‌باشد، پس کشف می‌شود که از اول چنین حرمتی نبوده است و در نتیجه باید گفت علم اجمالی به تکالیف، علی کل تقدیر نبوده است و منجز نمی‌باشد. بنابراین از توسط در تکلیف، عدم منجزیت علم اجمالی پدید می‌آید.

نقد و بررسی اشکال دوم سید خویی رحمته الله

اگر ظاهر کلمات محقق نائینی رحمته الله را در نظر بگیریم این اشکال نیز بر کلام محقق نائینی رحمته الله وارد است، اما به نوعی می‌توان از این اشکال پاسخ داد و آن اینکه:

لزومی ندارد گفته شود با اختیار مکلف، نسبت به فرد حرام حرمت زایل می‌شود تا تکلیف لغو گردد، بلکه می‌توان مسئله را به گونه‌ای دیگر تصویر کرد و آن اینکه بگوییم: اگر مکلف إناء «ب» را ولو منضمماً به إناء «الف» برای رفع اضطرار انتخاب کند و إناء «ب» فی الواقع پاک باشد، تکلیف در إناء «الف» باقی است و اگر مکلف برای رفع اضطرار، إناء «ب» را انتخاب نکند تکلیف باقی نیست. با این بیان توسط در تکلیف درست خواهد بود و تکلیف نیز مغیاً به انتخاب و عدم انتخاب متعلق آن نمی‌شود تا لغو لازم آید، بلکه

۱. مصباح الأصول، ج ۱، ص ۳۹۲.

تکلیف معلق به انتخاب و عدم انتخاب شیء دیگری خواهد بود، مانند اینکه مولایی بگوید اگر رفتن به تهران را انتخاب کنید زیارت مشهد بر شما واجب است و اگر انتخاب نکنید وجوبی نخواهید داشت.

محقق نائینی رحمته الله علیه می‌توانست توسط در تکلیف را چنین تصویر کند. بنابراین راه تصویر وجود دارد، اما در مقام اثبات نیازمند دلیل است و از آنجا که اشکال اول محقق خوبی بر کلام نائینی رحمته الله علیه وارد است، ما نیز می‌پذیریم که آنچه وجود دارد توسط در تنجیز است نه توسط در فعلیت.

ملاقاتی اطراف علم اجمالی

اگر علم اجمالی به نجاست احد الاطراف وجود داشته باشد و طبق مباحث گذشته اجتناب از هر دو طرف لازم باشد و یک شیء دیگر با رطوبت با احد الطرفين ملاقات کند، آیا اجتناب از این ملاقی نیز لازم است؟

به عنوان مثال می‌دانیم موضعی از یک فرش، نجس شده است اما مکان آن معلوم نیست و تنها علم اجمالی به نجاست یکی از نقاط فرش حاصل شده است. حال اگر پای مرطوب بر فرش نهاده شود احتمال می‌رود با موضع نجس ملاقات کرده است کما اینکه احتمال می‌رود با موضع پاک فرش ملاقات کرده باشد، حال آیا اجتناب از این عضو ملاقی لازم است و نمی‌توان با آن نماز خواند و یا اینکه اصل مؤمن در آن جاری است؟

قبل از ورود در این مبحث باید توجه داشت که اگر دو شیء به دو طرف علم اجمالی برخورد کند این دو شیء نیز خود دارای یک علم اجمالی جدید به نجاست خواهند بود، لذا لازم الاجتناب هستند و جای بحث بیشتر ندارد؛ کما اینکه اگر یک شیء با دو طرف علم اجمالی ملاقات کند در این صورت علم تفصیلی به نجاست این شیء پدید می‌آید و این حالت نیز از محل بحث خارج است.

مقرر: سید حامد طاهری